

شورش لرستان

(۱۳۴۲ ق)

محسن روستایی

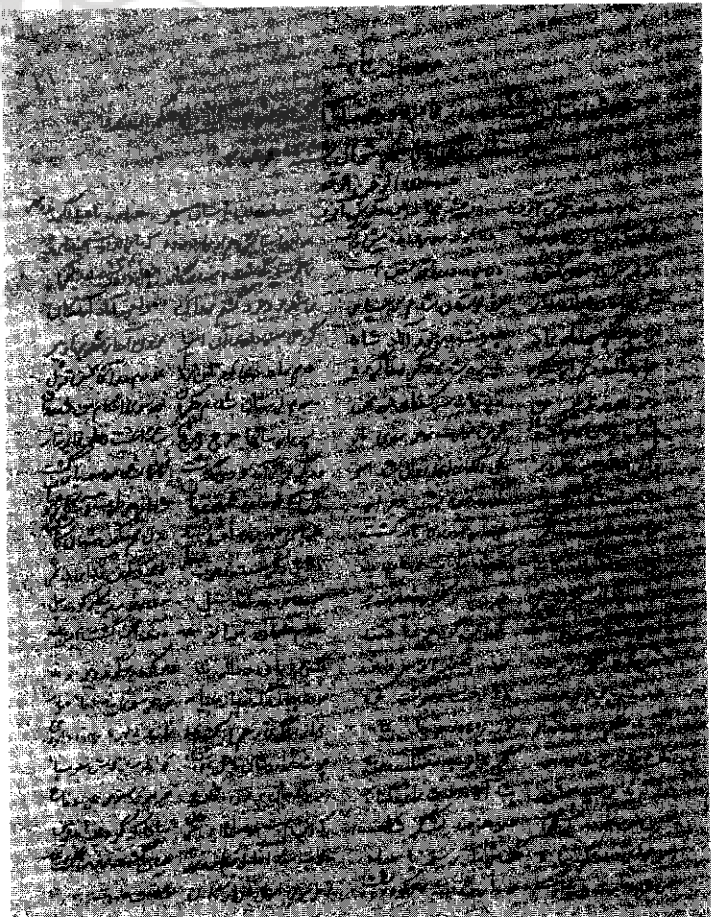
کتاب شورش لرستان گفتار منظومی است از سروده‌های شریف‌الدوله (میرزا علی محمدخان وزیرزاده کاشانی) که در اواخر سلطنت احمدشاه قاجار، پس از کودتای رضاخان سردار سپه، به منصب حکمرانی لرستان نایل گردید. این کتاب از نظر ادبی، از نوع مثنوی‌های تاریخی مستند محسوب می‌شود که شاعر به تقلید از شاهنامه فردوسی، از بحر متقارب که معمولاً برای مثنوی‌های رزمی و تاریخی برگزیده می‌شود، استفاده نموده است. این مثنوی تاریخی دربرگیرنده اوضاع سیاسی - تاریخی لرستان در سال‌های بحرانی ۱۳۰۲ تا اواخر ۱۳۰۴ ش. می‌باشد که شریف‌الدوله مشاهدات خود را هنگام حکمرانی‌اش در لرستان با تسلطی درخور به نظم کشیده است.^۱

اصل کتاب، نسخه‌ای است خطی که در حد فاصل سالهای ۱۳۱۵-۱۳۱۶ ش. سیدحسین جمفری جزایری، فرزند آیت‌الله حاج سیدعیسی جزایری در دورانی که در بروجرد مشغول تحصیلات متوسطه بوده، از روی نسخه اصلی، متن آن را استنساخ نموده و حتی مهر شریف‌الدوله (میرزا علی محمدخان وزیرزاده کاشانی) را در پایان استنساخ کتاب نقاشی نموده است. تا سندیت و اصالت کتاب همچنان باقی بماند.^۲

این کتاب در آینده نه چندان دور توسط جناب آقای سید پدالاله ستوده آماده چاپ خواهد شد و کوششگر محترم قصد دارند تمامی مراحل تحقیق و تصحیح را بر این کتاب اعمال دارند؛ البته با مقدمه‌ای مناسب که نشانگر اوضاع سیاسی - اجتماعی و تاریخی لرستان در این برهه از تاریخ معاصر ایران باشد.^۳

سراینده این منظومه تاریخی (شریف‌الدوله) از تحصیل کرده‌های مدرسه علوم سیاسی تهران بود که در سال ۱۲۵۳ ش. (۱۲۹۱ ق.) متولد و در حدود سال ۱۳۲۴ ق. قنسول یادکوبه شد. در دوره مشروطیت (۱۳۲۵ ق.) کارگزار رشت و در دوره دوم از طرف گیلان و قومانت وکیل گردید و به تهران آمد و جزو فرقه اعتدالیون خود را معرفی کرد. بعد از چند ماه، از مجلس استعفا داد و در وزارت خارجه مدیر اداره انگلیس گردید... چند سالی هم سمت نمایندگی ایران را در بالکان داشت. وی در ۲۱ دی ماه ۱۳۲۵ ش. در سن ۷۳ سالگی درگذشت. شریف‌الدوله مردی فهیمه و کاردان بود.^۴ وی پس از کودتای رضا خانی که به حکومت لرستان برگزیده شد، قصد داشت زمینه اصلاحات را در این خطه فراهم سازد، اما موفق به این کار نشد.^۵

شریف‌الدوله حدود یکسال و نیم در لرستان حکمران بود. به گفته خودش در دو سفر (یا دو مرحله) به این منصب اشتغال داشته است. او زمانی به این سمت برگزیده شد که لرستان در مسیر



عکس صفحه اول نسخه اصل



نفر نشسته : علیمردان خان بیرانوند

طرفدار جمهوری تام گشت

به دل تخم کین شهان کاشتند

چو دیدند کشور شد از فتنه پُر

سوی رزم و پیکار کردند میل

.....

دیر کوند و سگوند و بیرانوند

قاید رحمت و میر گشته یکی

ز هر سو نمایند جمعاً قیام

سپه را نمایند هر جا تپه^۶

به هرحال کتاب شورش لرستان سرشار از اطلاعات مهم تاریخی است که نگارنده شایسته می‌داند فرازهایی از وقایع مندرج در کتاب را در قالب یک مبحث تاریخی (تاریخ نگارانه) به رشته تحریر درآورد و گنری مختصر بر اوضاع لرستان پس از کودتای رضاخان داشته باشد.

تلاش‌های اولیه دولت برای اعاده حاکمیت مرکز بر لرستان در سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۲ و پس از آنکه با زدوخوردهای متعددی نیز توأم بود، ولی با توفیق چندانی روبرو نشد. در واقع عملیات نظامی لرستان در این سال‌ها بیشتر جنبه باز دارنده داشت و فتوحات قشون از حول و حوش بروجرد فراتر نرفت. در این ایام حتی همان مختصر توجه و حفظ ظاهری نیز که معمولاً نسبت به حکومت خرم‌آباد مینول می‌شد مشاهده نمی‌شود. در پاییز ۱۳۰۲ قوایی از مرکز اعزام شد تا با همکاری تیب

جراید همه پُر ز دشنام گشت

علم‌های جمهوری افراشتند

ملوک الطوائف خوانین گر

غنیمت شمردند و مانند سیل

.....

چگینی و رومانی و دالوند

حسنوند و پایی و هم جودکی

نمودند پیمان که بعد از صیام

بگیرند شهر و بینند راه

سراشیمی و هرج و مرج ویرانگر قرار داشت. زیرا در این سال‌ها به دستور رضاخان سردار سپه قوایی نظامی برای رویارویی و سرکوب ایلات و طوایف لرستان به این منطقه گسیل داده می‌شد. آنچه از ابیات کتاب برمی‌آید شریف‌الدوله در نیمه دوم سال ۱۳۰۲ ش. برای حکمرانی لرستان به این صفحه اعزام شد که حضور و مشاهدات خود را در لرستان چنین بیان می‌کند:

زهجرت چه بگذشت این روزگار

چهل و دو و سیصد و یک هزار ۱۳۴۲

به امر رضاخان ایران مدار

به مرز لرستان شدم رهسپار

ز شهر بروجرد گشتم روان

مرا خرم‌آباد آمد مکان

.....

.....

دهم ماه دی بود تا من نزول

نمودم در آن جا به حُسن قبول

.....

.....

به بوم لرستان شدم حکمران

به هر سوی احکام من شد روان

به اندک زمان کارها گشت ساز

طریق تجارت ز هر سوی باز

.....

.....

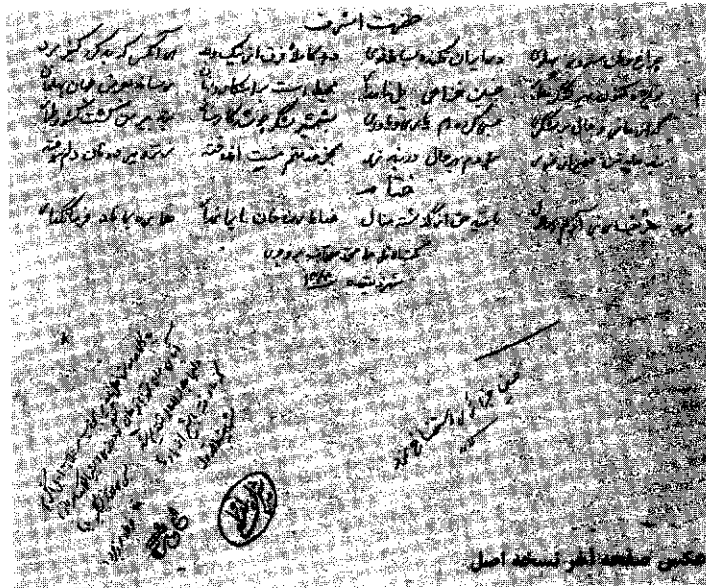
عشایر ز قشلاق گشتند باز

فکنندد خیمه نشیب و فراز

دگر آنکه غوغای جمهوریان

شد از هر طرف آشکار و عیان

**این مثنوی تاریخی
دربرگیرنده اوضاع
سیاسی - تاریخی لرستان
در سال‌های بحرانی ۱۳۰۲ تا
اواخر ۱۳۰۴ ش. می‌باشد
که شریف‌الدوله،
مشاهدات خود را
هنگام حکمرانی‌اش در لرستان
با تسلطی درخور
به نظم کشیده است**



**کتاب شورش لرستان،
گفتار منظومی است از
سروده‌های شریف‌الدوله
(میرزا علی محمدخان
وزیرزاده کاشانی)
که در اواخر سلطنت
احمدشاه قاجار،
پس از کودتای
رضا خان سردار سپه،
به منصب حکمرانی لرستان
نایل گردید**

نامساعدی یافت و انتقادهایی را برانگیخت. رضاخان در ۱۹ مرداد، در حالی که ریاست وزرا را نیز عهده‌دار شده بود، طی مخابره تلگرافی به امیراحمدی لحنی به کارگرفت کاملاً متفاوت از لحن حاکم. اینک سخن از عفو و اغماض بود و اینکه «... کلیه طوایف و ایلات لرستان را جزو سکنه این مملکت و از فرزندان غیور و رشید ایران محسوب...» داشته و ضمن چشم‌پوشی از اعمال و ضیعا و خطاهایی که مرتکب... شده‌اند. اعلان عفو عمومی داده شود. امیراحمدی هم بیانیه‌هایی مبنی بر عفو عمومی منتشر کرد. به این ترتیب مرحله دیگری از تاریخ پرفراز و نشیب لرستان پشت سر گذاشته شد.^{۱۳}

شریف‌الدوله در مورد ورود امیرلشکر (سپهبد امیراحمدی) به خرم‌آباد چنین می‌سراید:

امیر آمد و شهر آیین بیست

شد انده و جایش مسرت نشست

کنونم دگر داستانی شگرف

نموده است رخ موی من کرده برف

پس از آن همه رنجهای دراز

به نیروی لشکر چو شد راه باز

ز دولت بدم پرسش انتظار

که چون بود احوال من در حصار

چه بسیار خون چگر خورده‌ام

به هر حال من زنده یا مردام^{۱۴}

اگر به محتوای ابیات توجه کنیم حاکی از آن است که حکومت مرکزی قدر او را (شریف‌الدوله را) ندانسته و او را به تظلم و شکواه واداشته است.

همانگونه که گفته شد شریف‌الدوله در بطن و کوران وقایع سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ ش. لرستان بونه است، اما معلوم نیست به چه دلیل و یا دلالی برای مدتی کوتاه (حدود سه ماه) او را به تهران فرا می‌خوانند و از حکومت لرستان معزولش می‌کنند. او در همین کتاب (شورش لرستان) به رفتش که با ناراحتی و گله همراه بوده و نیز بازگشت مجددش به لرستان که در مهر ماه ۱۳۰۳ ش. صورت پذیرفته اشاره دارد. در این مرحله از حکمرانی‌اش ولایات بروجرد و خوزستان را هم علاوه بر لرستان به او می‌سپارند.^{۱۵} در این مرحله از حکمرانی، شریف‌الدوله با مشکل دیگری به نام شیخ خزعل (سردار اقلس) روبرو می‌شود که در صفحات جنوب ایران بیروق خودسری و نافرمانی را برافراشته و بسیاری او را نیز حمایت می‌کنند. شریف‌الدوله برای مقابله با شیخ خزعل به والی پشتکوه غلامرضا خان والی نامهای می‌نویسد و او را به همراهی حکومت لرستان و دولت مرکزی دعوت می‌کند. والی پشتکوه از کمک به او امتناع می‌ورزد و دولت با معیت شریف‌الدوله، لشکر غرب و خوزستان را برای جنگ با خزعل بسیج می‌کند که در نتیجه شیخ خزعل در این رزم شکست می‌خورد.^{۱۶} و خود و اولادش دستگیر می‌شوند. شریف‌الدوله در کتاب منظوم، شورش لرستان، به چگونگی دستگیری شیخ خزعل و اولادش پرداخته و ابیاتی را به شرح زیر سروده است:

به احضار خزعل یکی امر داد

که آید به تهران پرامید و شاد

شنیدم نیزذرت شیخ عنود

ولیکن گرفتار گردید زود

به امر خجسته امیرکبیر

بشد شیخ و اولاد او دستگیر

پیاده لشکر غرب که در بروجرد متمرکز بود به سوی خرم‌آباد پیشروی کنند. نیروی عمدی که در برابر نظامیان قرار داشت عشایر بیرانوند بودند که با حدود هجده هزار خانوار و نفوس کل مسیر و حول و حوش محور بروجرد - خرم‌آباد را در دست داشتند. در اواخر شهریور و اوایل مهر ۱۳۰۲ برخی از سران ایل، چون شیخ علی خان امیرعشایر و غلامعلی خان امیرهمایون در پی اقدامات شریف‌الدوله، والی لرستان، و سرتیپ شاهبختی فرمانده تیپ پیاده غرب تأمین گرفته بودند. از این رو جز طایفه یاراحمدی که به علت بازداشت پاره‌ای از رؤسای خود به دست نظامیان عاصی شده بودند نیروی دیگری از بیرانوند در مقابل نظامیان نبود. مع هذا بانوجه به خصوصیات جغرافیایی مسیر بروجرد - خرم‌آباد و تسلط عشایر بر مواضع سوق‌الجیشی آن، پیشروی نیروهای نظامی که در آذر ۱۳۰۲ آغاز شد تنها پس از یک رشته نبردهای شدید در اطراف تنگ زاهد شیر (واقع در ۱۲ کیلومتری خرم‌آباد) میسر شد.^{۱۷} ورود نیروهای دولتی به خرم‌آباد (۲۲ آذر ۱۳۰۲) همانند فتح چهریق (دهی است از بخش سلماس شهرستان خوی، که در مرز ایران و ترکیه واقع است)، در سال قبل با تبلیغات محلی و مملکتی گسترده‌ای توأم شد.^{۱۸}

پس از فروکش جنجال و هیاهوی فتح خرم‌آباد، زمینه لازم برای خلع سلاح عشایر و به فرمان درآوردن سایر طوایف و تیره‌ها فراهم آمد. ولی تتی چند از سران عشایر چون شیخ علی خان بیرانوند و مهرعلی خان حسونوند و حسین خان سردار اشرف و تتی چند از دیگر رؤسای طوایف لر پس از دستگیری، محاکمه و بعداً اعدام شدند.^{۱۹}

اقدامات امیراحمدی در سرکوب ایلات و طوایف لرستان باعث شد رضا خان سردار سپه از امیراحمدی به خاطر تصفیه لرستان و تشکیل و سرکوبی رؤسای بیرانوند و قلع و قمع اشرار قدردانی نماید. اما پس از چندی آشکار شد که اقدامات امیراحمدی نه تنها به تصفیه صفحه لرستان کمکی نکرده بلکه با دامن زدن به آتش کین‌خواهی و انتقامجویی گرها موجب آشوب و اغتشاش بیشتر آن صفحات نیز شده بود. محاصره خرم‌آباد در بهار سال ۱۳۰۳ ش. حاصل این تحولات بود.^{۲۰} با فرارسیدن فصل بهار و بازگشت عشایر از مناطق زمستانی به ییلاق‌های شمال لرستان، غلامعلی خان و لطیف خان بیرانوند به خونخواهی پدر برخاستند.

گروهی از دیگر طوایف لر چون پای و سگوند و چگنی... نیز وارد کار شدند. اسناد نشان می‌دهند که شورش لرها در آغاز بیشتر به صورت یک رشته برخوردهای پراکنده و بی‌ارتباط بروز می‌کند. ولی از همان ابتدای کار نیز تلاش نظامی‌ها برای سرکوب این حرکات بی‌نتیجه می‌ماند. و به تدریج دامنه گسترش می‌یابد. امیراحمدی در تهران است. بحران ناشی از شکست ماجرای جمهوری که موجب کناره‌گیری موقت رضاخان از امور گردیده به احضار اکثر رؤسای لشکرها به تهران و چاره‌اندیشی جهت ادامه کار منجر شده بود. سرتیپ شاهبختی که در غیاب امیراحمدی در مقام فرماندهی تیپ پیاده لشکر غرب فرماندهی قوای لرستان را نیز برعهده داشت به رغم دستورالعمل‌های تلگرافی امیراحمدی مبنی بر اعزام نیروهایی جهت سرکوب لرها بیشتر خواهان انحلا یک سیاست دفاعی و منتظر دریافت قوای امدادی بود.^{۲۱}

امیراحمدی به پیغام شاهبختی پاسخ مثبت داد و به فاصله ده روز با قوای مکفی و طیاره خود را به بروجرد رساند و با گذشت ده روز دیگر با اعزام قوای سرهنگ گریگو به سمت رازان در ۹ اردیبهشت عملیات رهایی خرم‌آباد آغاز شد. پس از بمباران مواضع ایلات و طوایف لرستان، و تصرف ارتفاعات رازان، سرانجام خرم‌آباد تصرف شد و امیراحمدی، در پایان عملیات و با استقرار اردوی سیار در تنگ زاهدشیر، پیشاپیش دیگر واحدهای نظامی وارد خرم‌آباد گردید. (۱۵ خرداد)^{۲۲} امیراحمدی پس از بازگشت به لرستان بدون توجه به نتایج سیاست نادرست پیشین هنوز هم... «برانداختن نام لر از صفحه لرستان» اصرار داشت. اقدامات امیراحمدی در مرکز، بازتاب



فرستاد سرتیپ او را به ری

به فضل الله زاهدی آفرین

چنین است آیین این روزگار

شد از خوزیان حشمت شیخ طی

که عرض لیاقت کند این چنین

ندارد در او شادی و غم قرار

در اوایل سال ۱۳۰۴ به امر سردار سپه، امیراحمدی به آذربایجان اعزام و امیرحسین آقاخان خزاعی به جای او به فرماندهی قوای غرب منصوب می‌شود. او مدتی با خوانین با مهربانی و محبت رفتار کرد و حتی آنها را به کارهایی مانند خلع سلاح و غیره مشغول ساخت ولی عاقبت وجود آنها را مانع امنیت لرستان دانست و در یک فرصت آنها را دستگیر و به بروجرد آورد و همه را به دار آویخت. سرانجام دوران حکمرانی شریف‌الدوله نیز در لرستان و بروجرد و... به اتمام می‌رسد و او باز با گله‌مندی ناگزیر می‌شود منصب حکمرانی را که خیلی هم به آن دلخوش و علاقه‌مند بود فروزند. خلاصه اینکه کتاب شورش لرستان حاوی جزئیات بسیاری از مطالب تاریخی خطه لرستان (بروجرد و خرم‌آباد...) می‌باشد که امید داریم با چاپ این کتاب به آگاهی‌های تاریخی و سیاسی لرستان پس از کودتای ۱۲۹۹ دست یابیم.^{۱۱}

پی‌نوشت‌ها:

۱. ن. ک: شریف‌الدوله حکمران لرستان، شورش لرستان، به کوشش سید یدالله ستوده، در مرحله چاپ، صص ۹ و ۳۳.
۲. آنچه در مورد چگونگی استنساخ کتاب شورش لرستان، مطرح شد برگرفته از گفته‌های جناب آقای یدالله ستوده است که ایشان با سیدحسین جعفری جزایری - استنساخ‌گر نسخه خطی - حشر و نشر داشته است.
۳. برای نمونه جهت اطلاع از چگونگی اوضاع لرستان در سال‌های پس از کودتای ۱۲۹۹، ن. ک: محسن روستایی، «ایلات و طوایف لر» شقایق، سال ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶، صص ۲۹-۳۲.
۴. ر. ک: مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران، تهران، زوار، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۸۳.
۵. حکمرانی شریف‌الدوله در لرستان مصادف بود با اوضاع بحرانی و حضور قشون نظامی در لرستان، بنابراین او مجال نیافت که آرامش و امنیت را در این خطه از ایران تثبیت نماید، شریف‌الدوله در این زمینه می‌گوید:
به بوم لرستان شدم حکمران

به اندک زمان کارها گشت ساز

طریق تجارت ز هر سوی باز

پس از سال‌ها هرج و مرج تمام

ولیکن نباید این نظم دیر

شد امنیت و نظم قایم مقام

یکی آن که ز این جا روان شد امیر

۶. ن. ک: شریف‌الدوله حکمران لرستان، شورش لرستان، صص ۹ و ۱۰.
۷. ر. ک: نامه شریف‌الدوله به ریاست وزرا مورخه ۴ میزان ۱۳۰۲ و نیز: محمدرضا والیزاده معجزی: سفرهای رضاشاه کبیر به لرستان، خرم‌آباد، اداره کل فرهنگ و هنر لرستان، ۱۳۵۶، صص ۳۱-۳۳.
۸. در مورخ ۲۰ برج اسد (مرداد ماه) در صفحات آذربایجان پس از شکست اسماعیل آقا سمیتقو که در آن خطه سر به شورش گنارده بود قلعه چهریق توسط سرتیپ امان‌الله خان میرزا و سرتیپ فضل‌الله خان بصیردیوان فتح شد و به همین مناسبت هر دوی آنها مفتخر به دریافت نشان ذوالفقار شدند. به سایر صاحب‌منصبان و درجه‌داران نیز نشان‌های مختلف داده شد. (یاقر عاقلی: روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۹، صص ۱۲۰ و ۱۲۱).
۹. محمد حنیف: شناخت ایل بیرانوند خرم‌آباد، پیغام، ۱۳۷۷، ص ۳۸.
۱۰. کاوه بیات: عملیات لرستان، تهران، شیراز، ۱۳۷۳، ص ۱۴.
۱۱. ن. ک: اسنادشماره‌های ۴۰ تا ۵۲ مندرج در عملیات لرستان، صص ۳۶-۴۴ که بخش اعظم این اسناد مربوط است به درخواست شاه بختی مبنی بر اعزام هرچه سریع‌تر قوای مستقر در اشتر (به فرماندهی سرهنگ گریگور).
۱۲. عملیات لرستان، همان، صص ۱۶ و ۱۷ و نیز: احمد امیراحمدی: خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، مؤسسه پژوهش، ۱۳۷۳، صص ۲۳۰-۲۳۶.
۱۳. مجله پهلوی، ۲۸ جوزا ۱۳۰۳، ص ۵.
۱۴. شورش لرستان، پیشین، ص ۳۰.
۱۵. ن. ک: شورش لرستان، پیشین، ص ۳۳، شریف‌الدوله در سفر دوم خود به لرستان متذکر می‌شود [وی] به سمت حکمرانی ایالت بروجرد لرستان و خوزستان در پانزدهم شهر ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ق. نایل شده است.
۱۶. شورش لرستان، صص ۴۱-۴۳.
۱۷. شورش لرستان، صص ۵۲ و ۵۳.
۱۸. سفرهای رضاشاه به لرستان، پیشین، همان، ص ۶۴.
۱۹. برای نمونه شریف‌الدوله در ص ۳۱ کتاب شورش لرستان به معاون خود به نام اعظم‌الدوله اشاره می‌کند که معلوم است او نیز در این دوران یکی از رجل مؤثر در خطه لرستان بوده است. اما هنوز نگارنده اطلاعات بیشتری در مورد او (اعظم‌الدوله) بدست نیاورده و متأسفانه منابع تاریخ محلی و غیره نیز هم دگری از او نکرده‌اند که او که بوده و سرانجامش چه شده فقط تنها کسی که شخصیت اعظم‌الدوله را مطرح کرده شریف‌الدوله است و آن هم در همین حد که در دوران حکمرانیش در لرستان اعظم‌الدوله معاون او بوده است.